

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. ۲۰۰۸

دانشگاه پیام نور

دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان شناسی و زبان انگلیسی

پایان نامه

برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد در رشته ی زبان شناسی همگانی

عنوان

سبک شناسی شعر منوچهر آتشی براساس نظریه ی روایت شناسی و شعرشناسی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر فرزانه سجودی

استاد مشاور

سرکار خانم دکتر آریانا افراشی

نام مؤلف

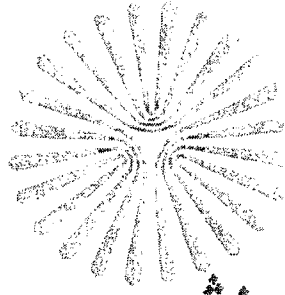
محمد علی محسنی فرد

مهر ۱۳۸۶



۱۳۸۷ / ۲ / ۱۹

۱۰۵۳۶۵



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور	
پشتی نمرات	
پ	شماره ثبت
۸۸	شماره ثبت
۸۶/۷/۲۲	شماره ثبت

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان:

سبک شناسی شعر آتشی بر اساس نظریه روایت شناسی و شعر شناسی

تاریخ دفاع: ۸۶/۷/۲۲

نمره: ۱۹/۵
درجه: عالی
نورده وشم

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی

هیات داوران

مرتبه علمی

امضاء

۱- آقای دکتر فرزانه سجودی

استاد راهنما

۲- خانم دکتر آرزیتا افراشی

استاد مشاور

۳- خانم دکتر بلقیس روشن

استاد داور

۴- خانم دکتر بلقیس روشن

نماینده گروه

استاد راهنما

استاد مشاور

استاد داور

استاد داور

امضاء اعضای هیات داوران

تقدیم به همسر م به پاس بردباری هایش

تقدیر و تشکر

در تهیه ی این پایان نامه، افراد زیادی نگارنده را مورد لطف و محبت خود قرار دادند که نبود هر کدام باعث می شد نوعی نقص را در آن شاهد باشیم. قبل از همه خود را مدیون الطاف همسرم، خانم پریسا خواجه می دانم که با از خود گذشتگی مثال زدنی بار زندگی مشترک، بخصوص تربیت فرزند، را در این مدت یکتنه بردوش کشید. چنانچه واقعه گرایانه به قضیه بنگیریم؛ باید اعتراف کنم اگر حمایت های او نبود ادامه تحصیل هم برایم ممکن نمی شد. اساتید راهنما و مشاورم، جناب آقای دکتر فرزاد سجودی و سرکار خانم دکتر آریتا افراشی، با وجود گرفتاری های فراوان، علاوه بر این که از هیچ راهنمایی و کمکی فروگذار نکردند؛ مزاحمت های گاه و بیگاه مرا نیز تحمل کردند و حق ایشان از این بابت به حدی است که به جرأت می توان گفت فقط بامشاوره و راهنمایی های آنان بود که توده ی درهم و برهمی از یاد داشت ها و داده ها، نهایتاً شکل پایان نامه به خود گرفت. حق استاد راهنما از بابت تهیه ی منابع نایاب و کمیاب مورد نیاز نگارنده از کتابخانه ی شخصی خود را، نباید فراموش کرد. دوست نازنینم، جناب آقای دکتر فرامرز خجسته، را از هنگام تصمیم گیری به کار بر روی آثار آتشی تا تهیه و نگارش پایان نامه در کنار خود داشتم. همو بود که با بردباری خاص خود ناشیگری های نگارنده را گوشزد می کرد و با وسواس سعی در اصلاح آنها داشت. فرامرز و دوستان عزیز دیگری چون آقایان حسین قشقایی، مجید عوض فرد و محمد غلامی بودند؛ که سخاوتمندانه در کتابخانه های شخصی خود را به رویم باز گذاشتند و باتشویق و ترغیب های خود خستگی کار را از یادم می بردند.

استادم، جناب آقای محمد غلامی، از این بابت حقی بیست و چند ساله برگردن نگارنده دارند؛ زیرا سایه ایشان را از سالهای تحصیل در مقطع راهنمایی تا کنون بر سرخود دارم. از مدیر مسئول هفته نامه ی نسیم جنوب در بوشهر، جانب آقای یونس قیصی زاده، بابت دادن اجازه ی تهیه ی تصویر از صفحات مورد نیاز نشریه شان بی نهایت سپاسگذارم. عذابی را که بابت خواندن نسخه ی نهایی پایان نامه و یافتن اشتباهات املائی، انشایی و تایپی به دوست عزیزم، جناب آقای حمید عمرانی، دادم؛ هیچ گاه از یاد نمی برم. دوستان دیگری نیز بودند که همیشه حضوری یا تلفنی با تشویق های خود، روحیه و توانی تازه به نگارنده می دادند که از حضور یکایکشان خواهش می کنم مرا از نام بردن معاف دارند، چه بیش از آنی هستند که در نوشته آید.

عنوان

پیشگفتار

فصل اول :

کلیات

۱-۱ مقدمه

۲-۱ پرسش ها و فرضیه های تحقیق

۳-۱ مراحل و روش تحقیق

۴-۱ محدودیت های تحقیق

فصل دوم :

ملاحظات نظری پیرامون روایت شناسی ، شعرشناسی و سبک شناسی

۱-۲ روایت و روایت شناسی

۱-۱-۲ روایت

۲-۱-۲ روایت شناسی

۳-۱-۲ مراحل روایت

۴-۱-۲ ویژگی های روایت

۵-۱-۲ عناصر روایت

۶-۱-۲ راوی

۲-۲ شعر و شعر شناسی

۱-۲-۲ شعر

۱-۱-۲-۲ هنجارگرایی

۲-۱-۲-۲ قاعده افزایی

۲-۲-۲ شعر کهن و شعر نو فارسی

۳-۲-۲ شعر شناسی

۱-۲-۲-۲ شعرشناسی و ساختارگرایی

۲-۲-۲-۲ شعرشناسی و وجه غالب

۳-۲-۲-۲ قطب های استعاره و مجاز

۴-۲-۲ مرگ مؤلف

۳-۲ سبک و سبک شناسی

۱-۳-۲ سبک

۲-۳-۲ عوامل و نتایج ایجاد سبک های گوناگون

۳-۳-۲ سبک شناسی

فصل سوم :

پیشینه ی مطالعات در مورد شعر آتشی و نقد آن

۱-۳ نظر منتقدین و نقد نظر آنان

۲-۳ شعر ناب و شعر مدرن

۳-۳ آواز خاک

۴۸	۳-۴ دیدار در فلق
۵۱	۳-۵ گزینۀ ی اشعار
۵۴	۳-۶ شعر و شاعری از دید آتشی
۵۴	۳-۶-۱ شعر و عناصر شعر ساز از نظر آتشی
۶۰	۳-۶-۲ آتشی و شعر ناب
۶۳	۳-۶-۳ آتشی و شعر به گویش محلی
	فصل چهارم:
	سبک شناسی شعر آتشی
۶۵	۴-۱ مقدمه
۶۷	۴-۲ بعضی از ویژگی های زبانی آتشی
۶۹	۴-۲-۱ ترکیبات جدید و واژه های نشاندار
۷۰	۴-۲-۲ هنجار گریزی گویشی
۹۵	۴-۲-۳ باستانگرایی یا هنجار گریزی زمانی
۱۰۴	۴-۲-۴ وجه غالب در شعر آتشی
۱۳۰	۴-۲-۵ حرکت از شعر روایی به سمت شعر تغزلی
۱۳۳	فصل پنجم:
	نتیجه گیری
۱۴۳	منابع و مآخذ فارسی
۱۴۸	منابع انگلیسی
۱۵۲	

عنوان

۴	نمودار ۱-۱ گونه های زبان
۱۹	نمودار ۱-۲ نقش های شش گانه ی زبان از نظر یا کوبسن
۷۱	نمودار ۱-۴ بازی نشانه ها در نقش شعری زبان
۹۴	نمودار ۲-۴ بسامد هنجار گریزی های معنایی و واژگانی در دوره های سه گانه ی شعری آتشی
۱۰۲	نمودار ۳-۴ بسامد موارد هنجار گریزی گویشی در دوره های سه گانه ی شعری آتشی
۱۲۹	نمودار ۴-۴ بسامد موارد باستانگرایی یا هنجار گریزی زمانی در دوره های سه گانه ی شعری آتشی
۱۳۲	نمودار ۵-۴ سیر واژه های پربسامد در دوره های سه گانه ی شعری آتشی

صفحه	عنوان
۷۳	جدول ۱-۴ ترکیبات جدید و واژه های نشاندار در دوره ی اول شعری آتشی
۷۶	جدول ۲-۴ ترکیبات جدید و واژه های نشاندار در دوره ی دوم شعری آتشی
۸۳	جدول ۳-۴ ترکیبات جدید و واژه های نشاندار در دوره ی سوم شعری آتشی
۹۷	جدول ۴-۴ هنجارگریزی گویشی در دوره ی اول شعری آتشی
۹۸	جدول ۵-۴ هنجارگریزی گویشی در دوره ی دوم شعری آتشی
۱۰۰	جدول ۶-۴ هنجارگریزی گویشی در دوره ی سوم شعری آتشی
۱۰۶	جدول ۷-۴ باستانگرایی در دوره ی اول شعری آتشی
۱۱۳	جدول ۸-۴ باستانگرایی در دوره ی دوم شعری آتشی
۱۱۹	جدول ۹-۴ باستانگرایی در دوره ی سوم شعری آتشی
۱۳۰	جدول ۱۰-۴ پربسامدترین واژها در شعر آتشی
۱۳۱	جدول ۱۱-۴ واژه های پربسامد مرتبط با روشنائی و حرکت در دوره های سه گانه ی شعری آتشی
۱۳۴	جدول ۱۲-۴ نسبت اشعار روایی به غیر روایی در دوره های سه گانه ی شعری آتشی

چکیده

پرداختن به ادبیات از منظری زبان شناختی اندک اندک جای خود را در مطالعات ادبی باز کرده است. در این راستا گروهی از زبان شناسان، سعی در یافتن ویژگی هایی داشته اند که به متن مورد اشاره نوعی برجستگی می بخشد و به اصطلاح ادبیت را نمایان می کند. تلاش گروهی دیگر بر این بوده است تا با استفاده از نظریات مطرح در نقد و نظریه ی ادبی، ویژگی های موجد آن نوع یا سبک خاص ادبی را، در فرد یا دوره ی خاصی، نشان دهند. در این تحقیق سعی بر این داشته ایم تا با ترکیب دیدگاههای یاد شده، ویژگی های موجد سبک و عناصر شعر آفرین را در آثار نیمایی متوجه آتشی نشان دهیم. بر این اساس با گردآوری داده های زبانی از میان دوازده دفتر شعر وی، سعی در آزمودن فرضیه های زیر داشته ایم:

الف) ویژگی های سبکی معینی را برای شعر آتشی می توان معرفی کرد.

ب) تحولات روایی، زبانی و بیکر بندی از سادگی به پیچیدگی در آتشی قابل بررسی است.

برای آزمون فرضیه های یاد شده پیکره ی زبانی را به دو صورت انتخاب کردیم: در بخش اول، که موارد هنجارگریزی موجد سبک آتشی را شکل می دهند؛ ده درصد از اشعار ابتدای هر دفتر را بررسی کردیم. نتایج حاصل از این بررسی و تحلیل های براساس آن را در ادامه ملاحظه خواهید کرد. در بخش بعد، که در آن سعی شده است عامل مشخصه ی سبک شعر آتشی را بشناسیم؛ کل اشعار را مورد مطالعه قرار دادیم.

نهایتاً مشخص شد که هنجارگریزهای معنایی و زمانی در میان اشعار مورد بررسی بالاترین بسامد را نسبت به سایر موارد هنجارگریزی داشته اند. هنجارگریزی های واژگانی، گویشی و نحوی در مراتب بعدی قرار دارند. هنجارگریزی های سبکی و نوشتاری موردی نداشتند و هنجارگریزی های آوایی هم چندان برجستگی به متن نمی دادند از این رو از آنها صرف نظر کردیم.

در رابطه با عامل سبک ساز و عناصر شعر آفرین مشخص شد که واژه های مرتبط با روشنائی و حرکت، در مقایسه با دیگر واژه ها، بالاترین بسامد را داشته اند.

منوچهر آتشی برای خوانندگان جدی ادبیات فارسی نامی آشناست و نقد و نظر بر آثار و حتی شخصیت او زیاد نوشته اند. آتشی در کنار شاعرانی مثل شاملو، اخوان، فروغ و سهراب راهی را که نیمه آغاز کرده بود؛ خیلی خوب پیمود. تفاوت سبک و دیدگاه در آثار آنان به حدی است که هر خواننده ی حرفه ای براحتی امضای آنان را در پای اشعارشان می بیند. از نظر تحقیقات و پایان نامه های دانشگاهی، آتشی در این میان غریب مانده است و بر خلاف بقیه که هر کدام تا کنون موضوع چند پایان نامه بوده اند؛ هیچ پایان نامه ای مستقلاً به بررسی افکار و آثار آتشی نپرداخته است. تنها موردی که قابل ذکر است، پایان نامه ای است که توسط یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات فارسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر در دست تهیه می باشد.

آتشی بجز آثار نقد و نظر و ترجمه ی خود سیزده دفتر شعر دارد که به تناوب از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۸۴ هجری شمسی توسط ناشران مختلف انتشار یافته اند. از این دفاتر شعر دوازده عنوان شامل اشعار نیمایی اوست که بررسی سبک شناختی آنها موضوع این پایان نامه است. یافتن ویژگی خاص و موجد سبک شاعری مانند آتشی کار چندان ساده ای نیست. این کار چند دلیل دارد: یکی این که وجود آتشی چند پاره است. پایی در دهرود، زادگاه خود، دارد و دلی در آلمان، سری در بوشهر دارد و دستی در تهران. دلیل دیگر تلاشی است که گاهی آگاهانه می نماید، و آتشی از این طریق سعی دارد خود را از اشعار روایی، که ذاتی آتشی است، به شعرهای غنایی، که چندان توفیقی در آنها ندارد برساند. دلیل سوم باب نبودن چنین کارهایی در کشور ماست که هر کاری را با ملاک و معیارهای مادی می سنجند. چهارمین دلیل عدم دسترسی به منابع کتبی مورد نیاز است که بعضاً اگر سراغی هم از بعضی از آنها داشته باشی، صاحب منبع، به هر دلیل، از در اختیار گذاشتن آن طفره می رود و عاملی است که چنین کارهایی باوجود تمام کمالشان بازهم ناقص باشند. به هر صورت در این تحقیق سعی شد تا با نهایت استفاده از منابع موجود و دست یافتنی و ویژگی های سازنده ی سبک آتشی را نشان دهیم. همان طور که در ادامه ملاحظه خواهید کرد، این کار به معنی تأیید تمام و کمال آثار او نیست؛ بلکه ضمن بیان زحمات و تلاشی که آتشی به خاطر ادبیات فارسی متحمل شده است؛ کاستی هایی که به ذهنمان رسید هم بیان داشته ایم. دلیل این کار چیزی نبود جز روشن کردن راهی که افرادی همانند آتشی راهیان آن هستند. راهیانی که از خیلی چیزها می گذرند تا ادب و فرهنگ فارسی را زنده نگاه دارند و از این طریق خدمتی به انسان و انسانیت کنند.

فصل اول:

کلیات

۱- مقدمه

زبان به عنوان یکی از راحت ترین وسایل ارتباطی در دسترس همه قرار دارد. حتی وقتی که تنها هستیم هم با تفکر، که سخنگویی بدون آوا می باشد؛ جملات و مفاهیم ذهنی خود را شکل می دهیم. این مفاهیم ذهنی وقتی که گفته یا نوشته شدند؛ دیگر متعلق به گوینده، نویسنده و یا گروه خاص دیگری نیستند و هرکسی می تواند ضمن شنیدن یا خواندن آنها برداشت، داوری و نظر خود را راجع به آن آثار بیان کند.

"زبان شناسی همگانی را بررسی و توصیف علمی زبان گفته اند... که موضوع آن پدیده ای انسانی- اجتماعی است." (حق شناس، ۱۳۷۰، ص ۲۱۷) پس، زبان شناسی به عنوان علم مطالعه ی نظام زبان و گفتار از مناظر گوناگون به این پدیده ی واحد می نگرد و هر زبان شناس، بنا بر علایق، زمینه ها و امکانات موجود، بخشی از آن را مورد مطالعه قرار می دهد. آوا شناسی، واج شناسی، معنی شناسی، نشانه شناسی، سبک شناسی، گویش شناسی، نحو، تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، جامعه شناسی زبان و روان شناسی زبان، گرایش های عمده در این رشته ی علمی هستند و این پایان نامه سعی دارد در حوزه ی سبک شناسی به یافته هایی دست یابد.

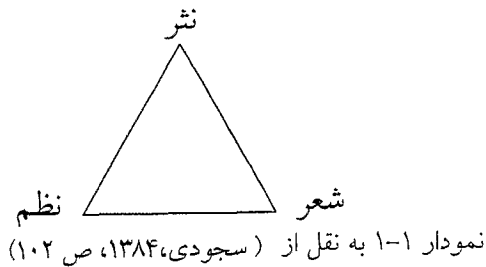
زبان شناسی ساختگرا که با مطالعات و پژوهش های زبان شناس سوئیسی، فردینان دوسوسور^۱، شروع شد؛ زبان را پدیده ای ارزشمند و در خور مطالعه و تحقیق یافت و دانشمندان علوم دیگر را نیز به وجود ساخت در بقیه ی نظام های اجتماعی متوجه کرد. (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۱) از همین منظر علمی مثل جامعه شناسی، مردم شناسی، روان شناسی، تاریخ و ادبیات، متون و پدیده های مورد مطالعه ی خود را تک ساحتی و ایستا نمی دانند؛ بلکه به آنها به عنوان مواردی پویا و نظام مند که ساختی کلی بر آنها حاکم است می نگرند و هر تغییری در آن را نتیجه ی چندین عامل با درجات اثرگذاری متفاوت می دانند.

ادبیات و زبان چنان درهم پیچیده اند که پژوهشگر را به گونه ای وادار می کنند راهی میان رشته ای را انتخاب کند و با زدن نقبی از زبان وارد دنیای ادبیات شده آثار موجود را بررسی کند. در این میان شاهد سه دیدگاه هستیم:

الف) دیدگاهی که معتقد است زبان و ادبیات با هستی یا جهان برخوردی یگانه ندارند؛ بلکه هریک به شیوه ای از بنیاد متفاوت با شیوه ی آن دیگری با این موضوع یگانه برخورد می کند. (حق شناس، ۱۳۷۰، ص ۱۳)

ب) دیدگاهی که ادبیات به طور کلی و شعر به طور خاص را حادثه ای می داند که در زبان اتفاق می افتد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ص ۳)

پ) دیدگاه سوم بر این باور است که با بررسی گونه های ادب (نثر، نظم و شعر) می توان "به نظریه ای منسجم و یکپارچه در دانش عمومی ادبیات رسید که تصور روشنی از جایگاه آن در "نظام زبان" نیز به دست می دهد" (سجودی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲) از نظر سجودی، نظم و شعر جوهر اصلی ادبیات را شکل می دهند و شرط تبدیل شدن یک نثر علمی به یک نثر ادبی، فاصله گرفتن آن از نوک مثلث زیر و تمایل به یکی از گونه های شعر یا نظم می باشد:



وی در ادامه توضیح می دهد که تلفیق گونه ها به عنوان شرط لازم جهت تبدیل نثر علمی به ادبی، پایه ی چندان محکمی ندارد و "اصل همان دخالت شعر و نظم است و بازی با گونه های زبان، خود ابزاری ثانوی است در شعر آفرینی" (سجودی، ۱۳۸۴، صص ۱۰۲ و ۱۰۳)

دیدگاههای یاد شده، با وجود تمایزاتشان، آنچنان از هم فاصله ندارند که امکان گردآوریشان در یک محدوده وجود نداشته باشد. دیدگاه الف دو کاربرد مختلف زبان را متذکر می شود که همانا نقش های ارتباطی و آفرینش ادبی، یا نقش شعری، هستند، و یا به تعبیر دیگر زبان خودکار و زبان برجسته. دیدگاه ب ادبیات را جزئی از زبان می داند و شعر را حادثه ای که در آن روی می دهد. و دیدگاه پ نگرشی جدیدتر است به گونه های ادب و امکاناتی که در زبان برایشان فراهم می شود. ادبیات به عنوان آینه ای که وقایع، آداب و رسوم و درکل، تقریباً، فرهنگ یک قوم را نشان می دهد، از کوچکترین واحدهای زبانی یعنی آوا تا بزرگترین آنها یعنی جمله، یا به تعبیری متن، را به عنوان مواد لازم، مورد استفاده قرار می دهد. زبان شناس نیز در این میان چون پدیده های مورد مطالعه ی خود را در کار می بیند، خود را سزاوار می داند که به بررسی متون ادبی پردازد و از این دیدگاه، با توجه به نظریات مطرح شده در این رشته، به نتایج از پیش نامشخصی دست پیدا کند.

به طور خلاصه می توان گفت که زبان شناسان از دو منظر کلی به ادبیات نگریسته اند: ساختارگرایی و کاربرد شناسی. در ساختارگرایی که به دنبال صورتگرایی پدید آمد؛ اسباب آفرینش ادبی مورد بررسی قرار می گیرد و کاربرد شناسی آنچه را که در زبان اتفاق افتاده است، موضوع پژوهش خود قرار می دهد. چنانچه بخواهیم دقیق تر به موضوع نگاه کنیم می توانیم بگوییم که مطالعات زبانی را که به بررسی متون پرداخته اند می توان عموماً به سه گروه زیر تقسیم کرد:

۱) دیدگاهی که از منظر تجزیه و تحلیل کلام و کاربرد شناسی، متن را بررسی می کند. این گروه که زبان شناسان، منتقدان، فیلسوفان، مشاوران سیاسی، قضات، وکلا، مقامات و افرادی این چنینی را دربر می گیرد، عمدتاً به دنبال معنی پنهان و مخفی پشت کلمات و جملات متون بیان شده هستند و سعی دارند از این طریق خصوصیات فرهنگی گویشوران (ان) یک زبان خاص یا افراد یک گروه یا حزب، برنامه های آینده ی گروههای رقیب، توصیه های لازم جهت برنامه ریزی های اجتماعی و فرهنگی، معانی مختلف مورد نظر شاعر یا نویسنده و غیره را پیدا کنند. مثلاً گروهی معتقدند گویشوران زبان هایی که در آنها فعل مجهول زیاد کاربرد دارد، بیشتر محافظه کارند. یا این که انسانها از دریچه ی زبان خود دنیا را می بینند، یا ساکنان مناطق مختلف برای مفاهیم و پدیده های واحد واژه های متعدد دارند.

۲) دیدگاهی که به بررسی عوامل به وجود آورنده ی متون یک نوع می پردازد و سعی دارد از این راه خصوصیت های ویژه و موجد آن نوع خاص را بشناساند. اگر بخواهیم از منظر ادبیات به این موضوع پردازیم، باید به بوطیقا اشاره کنیم که به ادبیات نمی پردازد بلکه ادبیات یعنی عوامل ادبیات ساز را بررسی می کند و در پی این است که چه ویژگی هایی باید در یک اثر جمع شوند تا یک نمایشنامه، داستان یا قطعه شعری شکل گیرد. (تودورف^۱، ۱۳۸۲، ص ۱۹) البته

این یکی از تعابیر بوطیقا است. نظریه‌ی ادبی بیشتر در این راه تلاش می‌کند و بر آن است تا موارد کلی سازنده‌ی انواع ادبی را بشناساند؛ برعکس نقد، به خصوص نقد تقلیل‌گرا، که دنبال منظور خاص شاعر یا نویسنده است و قرائت‌های متعدد را رد می‌کند. (سجودی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵) زبان‌شناسان و نظریه‌پردازان ادبی بیشتر در این گروه قرار می‌گیرند.

۳) سومین دیدگاهی که در این زمینه به مطالعه و تحقیق می‌پردازد؛ اثر یا آثار خاص یک شخص یا دوره را از نظر سبکی بررسی می‌کند. در این زمینه نیز زبان‌شناسان، ادیبان، سبک‌شناسان و تحلیل‌گران اجتماعی فعالیت دارند و می‌کوشند مطالعات خود را در سطوح مختلف اعم از خرد یا کلان، فردی یا دوره‌ای و جزئی یا کلی در محدوده‌ی زبان و یا همراه با سایر عوامل دنبال کنند.

شعر به عنوان یکی از انواع ادبی و حادثه‌ای که در زبان روی می‌دهد؛ در میان فارسی‌زبانان، خواننده، مخاطب و منتقدان فراوان دارد. جایگاه این هنر به حدی است که حق‌شناس مردن یک زبان را نتیجه‌ی مرگ آخرین شاعر آن زبان می‌داند. (حق‌شناس، ۱۳۷۰، ص ۱۳۹) خواه با چنین نظری موافق و خواه مخالف باشیم؛ نقش‌های شش‌گانه‌ی زبان، از نظر یاکوبسن، و ارجاع آنها می‌تواند راهگشا و راهنمای خوبی باشد که نقش شعری زبان در خدمت به زبان تا چه حد مؤثر است. یاکوبسن نقش‌های شش‌گانه را طبق الگوی زیر نشان می‌دهد. (یاکوبسن، ۱۳۸۰ الف، ص ۹۱)

۱- نقش ارجاعی (صریح یا شناختی، موضوع بسیاری از پیام‌ها)

۲- نقش شعری (خود پیام یا خود زبان)

۳- نقش عاطفی یا بیانی (فرستنده و بیشتر جملات تعجبی)

۴- نقش ترغیبی (گیرنده و جملات ندایی و امری)

۵- نقش همدلی (مجرای ارتباط)^۱

۶- نقش فرازبانی (رمزگان)^۲

همان‌طور که از الگوی بالا می‌توان دریافت؛ نقشی که در آن موضوع کلام خود کلام است، همان نقش شعری یا ادبی است که ارجاع زبان به خود زبان است و از این طریق به غنای زبان کمک می‌کند. در شعر دال به یک مرجع یا مصداق خاص اشاره نمی‌کند؛ بلکه اشاره‌ی دال به دالی دیگر است و بازی نشانه‌ها شروع می‌شود و هنگامی که بازی تمام شود متن پیشین دیگر شعر نیست بلکه از نقش شعری به نقش صرفاً ارجاعی خود تبدیل شده است.

۱- منظور از مجرای ارتباط کلمات و ترکیباتی مثل "الو، صدا می‌آد؟" "متوجهی؟" و غیره می‌باشد که بیشتر جهت مطمئن شدن دو طرف ارتباط از برقرار بودن آن است.

۲- منظور از نقش فرازبانی زبان، استفاده از زبان برای صحبت درباره‌ی خود زبان است. مثلاً واژه‌ی "باران" از پنج حرف تشکیل شده است.

۲-۱ پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق

در این پایان‌نامه سعی بر این بوده است که از منظر روایت‌شناسی و شعرشناسی به سبک‌شناسی شعر منوچهر آتشی از شاعران نوپرداز معاصر پرداخته شود. آتشی یکی از پایه‌های اصلی و اساسی شعر معاصر فارسی است که طی چند دهه ضمن شعرآفرینی و نقد جریان‌های شعری معاصر، به پرورش استعدادهایی، بخصوص در جنوب، پرداخته است. از این رو و بدین جهت که پایان‌نامه‌ای هم یافت نشد که صرفاً به بررسی آثار او پرداخته باشد؛ بر آن شدیم که آثار او را موضوع کار خود قرار دهیم. از طرف دیگر، کارهایی که در این زمینه انجام شده‌اند نیز بررسی سبکی و ویژگی‌های موجد سبک خاص آتشی را موضوع کار خود قرار نداده‌اند. پس جای خالی آن در میان چنین آثاری احساس می‌شد. حال این پرسش‌ها پیش می‌آید که ۱- دلیل ماندگاری آتشی در عرصه شعر معاصر فارسی چه می‌توانند باشد؟ و ۲- آیا ویژگی‌های زبانی خاصی را در آتشی می‌توان یافت که موجد سبک ویژه او باشد؟ به دنبال یافتن پاسخ پرسشهای یاد شده فرضیه‌هایی پیش رو داشتیم که در ادامه سعی در آزمودن آنها داریم. فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱- ویژگی‌های سبکی معینی را برای شعر آتشی می‌توان معرفی کرد.

۲- تحولات روایی، زبانی و پیکربندی از سادگی به پیچیدگی در آتشی قابل بررسی است.

۱-۳ مراحل و روش تحقیق

در این رابطه نکات زیر را باید یادآور شویم:

۱) پایان نامه را در پنج فصل تنظیم کرده ایم. در فصل اول که مقدمه می باشد سعی شده است ضرورت پرداختن به ادبیات از دیدگاهی زبان شناختی توجیهی علمی یابد. در فصل دوم چارچوب نظریات روایت شناسی، شعر شناسی و سبک شناسی تشریح شده است. در فصل سوم شاهد پیشینه ی کار منتقدان، شاعران و نظریه پردازان در رابطه با آثار آتشی و نظریات شاعر در میان آثار غیر شعری او هستیم. فصل چهارم، که عمده ی کار را تشکیل می دهد، کوشش دارد ویژگی های زبانی، فرهنگی، بومی و اقلیمی شعر آتشی را به عنوان شاعری صاحب سبک نشان دهد؛ و بالاخره در آخرین فصل از تمام فصول قبل نتیجه ی کلی گرفته شده است. در این فصل تلاش داشته ایم چکیده ی دلایل ماندگاری شعر آتشی را با توجه به قراین و شواهد موجود بیان کنیم.

۲) در آغاز بنا داشتیم بیکره ی زبانی را از میان دفترهای شعر آتشی بر گزینش تصادفی قرار داده ده درصد از اشعار هر دفتر را موضوع کار قرار دهیم ولی بعد از شروع کار و به توصیه ی استاد راهنما تمام اشعار را تحلیل سبکی کردیم. هر چند زمان کار و آماده شدن پایان نامه را چند برابر کرد ولی می توان ادعا کرد به شرایط مطلوب و دلخواه نزدیک شده ایم. البته چون فرضیه های تحقیق بر این بود که حرکت آتشی از قطب مجاز به استعاره (از نظر یا کوینسن)^۱ و تمایل از اشعار روایی - حماسی به سمت شعرهای تغزلی - عاشقانه می باشد؛ از این نظر کل دوازده دفتر شعر وی را بررسی کردیم. ولی به هنگام بررسی ویژگی های زبانی (انواع هنجار گریزی و ترکیبات نشاندار) متوجه شدیم که رسم جدول هایی که در فصل چهار آمده اند، برای تمام صفحات شعر، حجم آن فصل را به تنهایی به اندازه ی یک پایان نامه می کند. از این رو در آن بخش فصل چهار بناچار دست به گزینش زدیم و ده درصد از صفحات هر دفتر را بررسی کردیم.

۳) در بررسی آثار فقط اشعاری را بررسی کردیم که در قالب نو سروده شده اند و آثار دیگر شامل غزل، مثنوی، رباعی، و دو بیتی که همگی در کتابی به نام *باران برگ ذوق* گرد آمده اند را کنار نهادیم. این کار دو دلیل داشت: یکی این که آتشی را در شعر معاصر فارسی شاعری نوپرداز می شناسند نه دو بیتی یا غزلسرا و دوم این که خود شاعر هم اشعار به قوالب قدیم را کارهایی از سر تفنن و سرگرمی می داند و چنین کارهایی را چندان جدی نمی گیرد. علاوه بر این آنها را حاصل نوعی "تغنی خاص" می داند. (آتشی، ۱۳۸۰، ص ۱۱)

۴) گفته ها و شنیده هایی در این راه داشته ایم که همگی، چون منبع و مأخذی کتبی در اختیار نبود، کنار گذاشته شدند؛ ولی ناگزیر به اعتراف به این نکته ایم که غیر مستقیم در نتیجه گیری ها و تحلیل های نهایی مؤثر بوده اند.

۴-۱ محدودیت های تحقیق

کمبود و در مواردی نبود منابع مورد نیاز تحقیق های کتابخانه ای مشکلی است که هر محقق در ابتدای کار با آن مواجه خواهد شد. در راستای تهیه ی منابع لازم برای این تحقیق نیز فاصله ی مکانی نگارنده با کتابخانه ها و آرشیو نشریات در پایتخت باعث شد که نتوانیم از تمام منابع موجود استفاده کنیم. همان طور که در صفحات پیشین متذکر شدیم، با استفاده از کتابخانه های شخصی دوستان و اساتید سعی در جبران این نقیصه داشتیم. تلاش معاش عامل دیگری بود که وقت چندانی برای نگارنده باقی نمی گذاشت که آن گونه که دوست داشت روی موضوع کار کند. نهایتاً باید گفت که این حاصل کاری است که توانسته ایم نه چیزی که خواسته ایم.

فصل دوم:

ملاحظات نظری پیرامون
روایت شناسی، شعر شناسی و
سبک شناسی

۱-۲ روایت و روایت‌شناسی

۱-۱-۲ روایت

هنگامی که نویسنده یا شاعری به خلق نوشتار می‌پردازد؛ یکی از چهار روش بحث کردن، توصیف، تفسیر یا روایت را بر می‌گزیند. در روایت بیشتر بر گفتن یا نشان دادن تأکید می‌شود. در دوره‌ی مدرن عمده تلاش راوی بر نشان دادن متمرکز می‌شد؛ در حالی که دوران پسا مدرن به تلفیقی از گفتن و نشان دادن رسیده است و "آثار نویسندگان پسا مدرن نشان دهنده‌ی بازگشت دوباره‌ی نویسنده به صحنه و احیای شکل نقل روایت در داستان هستند. به تعبیر لاج^۱، تفاوت بین دو نویسنده‌ی شاخص این دو دوره، یعنی جویس^۲ و بکت^۳، تفاوت بین سیلان ذهن و سیلان روایت است." (مقدادی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۹) با روایت ممکن است یکی از دو کار آفرینش یا آشکارسازی را انجام دهیم. در آشکارسازی بنا بر این است که روایت نوعی نظم از پیش موجود را در جهان کشف می‌کند ولی با آفرینش؛ راوی نوعی الگوی هویت سازی را پیشنهاد می‌دهد که در دنیای واقعی مورد تقلید قرار می‌گیرد. رشته‌های گوناگون روایت یعنی حماسه و رمان هنگامی که در هم می‌آمیزند مورد ستایش انسان‌ها قرار می‌گیرند. زیرا ترکیب حماسه و رمان حالتی به انسان می‌دهد که احساس غرور می‌کند؛ بخصوص اگر در روایت آرزوهای گروهی یا افتخارات باستانی یا جمعی ملت یا قومی برجسته نشان داده شوند.

در روایت راوی یا راویانی هستند که حوادث واقع شده در گذشته یا حتی وقایعی که قرار است یا می‌توانند در آینده اتفاق افتند را بیان می‌کنند یا نشان می‌دهند. البته نظر برخی بر این است که روایت بدون راوی هم وجود دارد؛ (نونهالی، ۱۳۸۴، ص ۲۱) در حالی که اگر با دقت به جریان روایت بنگریم؛ در فیلم هم که ظاهراً شخصی نیست که وقایع را تعریف کند؛ دوربین این کار را برعهده دارد.

جریان‌ها و حوادثی که به این ترتیب بیان می‌شوند؛ بیشتر در قالب داستان‌ها یا اشعار حماسی و نمایشی هستند که در غالب اوقات از نظر زمانی مدت‌ها قبل از زمان روایت شدنشان اتفاق افتاده‌اند. شاهنامه‌ی فردوسی نمونه‌ای است از اشعار حماسی که توسط شاعر مورد پرداخت قرار گرفته و صیقل یافته‌اند. در این روش آفرینش ادبی، راوی گاهی آمال و آرزوهای، بعضاً دست نیافتنی، خود و هم‌میهنان یا هم‌مسلمانان خود را به دست قهرمان داستان برآورده می‌سازد و در

1- David Lodge

2- James Joyce

3- Samule Beckett